

# tauschen, umtauschen, austauschen, eintauschen

سلام دوستان

در این درس می خواهیم با هم به فعل tauschen و پیشنهادهای آن بپردازیم.

همانطور که میدانید در تفکر و زبان آلمانی هر فعل کار و عمل مربوط به خودش را دارد و ما می بایستی در هنگام صحبت کردن به آلمانی حتما از همان فعل مربوط به خودش استفاده کنیم تا کاملاً درک شویم.

اما قبل از هر چیز اجازه بدهید خود فعل tauschen را مورد بررسی قرار بدهیم

این فعل به معانی : معاوضه کردن ، مبادله کردن ، داد و ستد کالا ، جای کسی بودن

حرف اضافه هم به همراه این فعل میاد؟ بله که میاد ، مثلا gegen

چرا gegen میاد؟ چون در تفکر آلمانی ما همواره چیزی را در برابر یا در مقابل ( gegen ) چیز دیگر می توانیم tauschen کنیم

باز هم حرف اضافه ای هست که به همراه این فعل بیاد؟ بلکه که هست ، مثلا mit

چرا mit میاد؟ چون در تفکر آلمانی ما همواره می توانیم چیزی را با کسی ( mit ) معاوضه کنیم

آقا اصلاً همه اینها به کنار این فعل wechseln پس دیگه چی میگه؟

wechseln به معانی : تغییر دادن ، دگرگون کردن ، تعویض کردن ، عوض شدن و تغییر کردن است اما tauschen یعنی مبادله کردن ، این دقیقاً همان موضوع مهم تفاوت تفکرهای فارسی و آلمانی است که در ابتدای درس و روی اینستاگرام سایت نیز بیان کردم.

پس ما اینجا داریم در مورد مبادله کردن صحبت میکنیم.

گذشته ساده این فعل : tauschten

گذشته کامل این فعل : haben getauscht

خب اجازه بدید برای درک فعل tauschen چندتا مثال هم یزنیم :

etwas gegen etwas tauschen

چیزی را در مقابله یا دربرابر چیز دیگر مبادله کردن

معادل فارسی: تاخت زدن

یعنی ما جنسی را با جنس دیگر مبادله می کنیم یا اینکه آنرا تعویض یا تبدیل میکنیم ، مثلا من گوشی موبایلم را با یک لپ تاپ تاخت میزنم

پس یک چیزی میدهیم یک چیز دیگر میگیریم ، مبادله ی شبیه به مبادله کالا به کالا که در زمان های قدیم رایج بود

Sie hat das Zimmer mit ihm getauscht

او ( مونث ) آن اتاق را با او ( مذکر ) مبادله کرد

یعنی اتاق هاشون رو باهم تاخت زدن ، یک چیزی داد یک چیز دیگر گرفت ، در اینجا ما می توانیم از wechseln نیز استفاده کنیم که در بالا به آن اشاره کردم

اما کاربرد اصطلاحی :

Ich möchte mit ihm nicht tauschen

در تفکر آلمانی : من دلم نمیخواهد با اون مبادله شوم

که در اینجا منظور این است که از نظر کاری و موقعیتی به جای اون باشم.

Ich möchte nicht an seiner Stelle sein

دلم نمیخواهد که در جایی اون یا سمت اون باشم

پس تا اینجایی درس به خوبی با tauschen آشنا شدیم.

اولین پیشوندی که قصد دارم به اون اشاره کنم aus است

austauschen از نظر مفهومی همان معانی مبادله کردن و رد و بدل کردن را میدهد با این توضیح که ما چیزی را از درون چیز دیگری خارج کنیم یا به بیرون بکشیم و آنرا مبادله یا ( تعویض ) کنیم.

برای درک بهتر : یک قطعه کامپیوتر را از درون کیس کامپیوتر باز کنیم ( در بیآوریم یا خارج کنیم ) سپس چیز دیگری را به جای آن قرار بدهیم ، یا اینکه بخواهیم صفحه شکسته گوشیمان را ( تعویض ) کنیم

نکته : این فعل می تواند Reflexiv یا انعکاسی نیز باشد که در ادامه به آن نیز می پردازم.

لطفاً به مثال های زیر توجه کنید :

den Motor austauschen

آن موتور را ( موتور ماشین مثلا ) مبادله یا تعویض کردن

ولی خب یک مفهوم دیگری نیز به همراه دارد ، ما برویم موتور ماشین را از داخل ماشین بکشیم بیرون و به جاش یک موتور جدید جایگزین کنیم ، به زبان ساده تر ما موتور جدید را با آن موتور قدیم مبادله کرده ایم با این توضیح که از درون جایی چیزی خارج شده است و به جایش چیز دیگری قرار داده شده است

یک مثال خیلی ساده تر و قابل درک تر

einen verletzten Spieler gegen einen anderen austauschen

تفکر آلمانی : یک بازیکن مصدوم را درمقابل یک بازیکن دیگر مبادله کردن

تفکر فارسی : یک بازیکن مصدوم را از زمین خارج کردن و به جای آن یک بازیکن دیگر را جایگزین کردن

پس در تفکر آلمانی ما آن بازیکن جدید رو با یک بازیکن مصدوم مبادله کردیم با این توضیح که قبلی را از زمین ( جا یا مکانی ) به بیرون کشیدیم و سپس بازیکن جدید را در جا ( محل و جایی قبلی ) نشانیدیم یا قرار دادیم.

نکته : حروف اضافه gegen و mit به همراه فعل austauschen نیز در جملات مورد استفاده قرار میگیرند.

اما این فعل در حالت انعکاسی :

sich mit jemandem austauschen

خودمان را با کسی مبادله کردن

هم می تواند به این مفهوم باشد که خودمان را جای کسی قرار دادن - از نظر احساسی و درک کردن - در فارسی میگویم : خودت رو جایی من بذار اونوقت قضاوت کن

اما مفهوم دیگر می توانید اینگونه باشد که مثلاً ما از نظر کاری و دانش آدم حرفه ای تری هستیم و این حرفه ای بودن ما به رئیس ما نیز ثابت شود ، یعنی ما مجاب کردیم که رئیس مان ما را به جایی شخص دیگری قرار بدهد ، به عبارت دیگر : شخص قبلی را از آن پست خارج کردن و ما خودمان را به جایی آن بنشانیم که در تفکر آلمانی : خودمان را با کسی مبادله کنیم

یک مثال دیگر :

Sie tauschten die Telefonnummer aus

آنها شماره تلفن هایشان را مبادله کردند

با این توضیح که گوشی هایشان را در آوردند و شماره ها را درونش وارد کردن یا اینکه دفترچه تلفن شان را در آوردن و شماره هایشان را درون آن یادداشت کردند

پیشوند بعدی که می خواهیم به آن بپردازیم um است

در دروس گذشته پیشوند um را مورد بررسی قرار داده بودیم و خلاصه آن درس این بود که ما چیزی را به شکل و روش دیگری انجام بدهیم یا به گونه ای دیگری آن کار را انجام دادن

کامل درس نگاهی به پیشوند um در زبان آلمانی را از اینجا مطالعه کنید

“

درس نود و یکم - نگاهی به پیشوند um در افعال

اما umtauschen به این مفهوم است چیزی را بدهیم و به شکل دیگر یا نوع دیگرش را دریافت کنیم ، همانند درس اینستاگرام :

[/https://www.instagram.com/p/BudrnGBHYRU](https://www.instagram.com/p/BudrnGBHYRU)

Wenn man in diesem Geschäft etwas umtauschen will, bekommt man nur einen Gutschein, aber nicht sein Geld zurück

اگر آدم در این فروشگاه چیزی را بخواهد تعویض کند ، آدم فقط یک برگ اعتباری ( کوپن ) دریافت میکند ولی پولش را نه

یعنی اینکه ما اگر بخواهیم چیزی را ( مثلاً جنسی را ) مبادله کنیم ( تعویض کنیم ) و یک شکل و مدل دیگر اش را دریافت کنیم ( مثلاً تی شرت سایز S را خریدیم به ما تنگ است و می خواهیم با M آنرا umtauschen کنیم ) یعنی یک جنسی را بدهیم و به شکل یا یک روش دیگر را دریافت کنیم.

بنابراین هرگاه بخواهیم چیزی را بدهیم و یک چیز دیگری را دریافت کنیم که مثل آن نباشد ( حال اندازه ، رنگ ، مدل و .... ) آنگاه از فعل umtauschen استفاده میکنیم.

چند مثال برای درک بیشتر :

Seine Weihnachtsgeschenke umtauschen

کادو های کریسمس را مبادله کردن

با این توضیح که مثلاً پدرمان به مناسبت عید یک موبایل به من و یک لپ تاپ به برادرم هدیه میدهد و من بروم با برادرم صحبت کنم تا کادوهایمان را باهم مبادله کنیم ، یعنی در اینجا من یک چیزی را میدهم و یک چیز دیگر ( مدل ، سایز ، رنگ و یا به کل یک کالای دیگری را ) دریافت میکنم.

etwas gegen etwas umtauschen

یک چیزی بدهم و یک چیز دیگر ( که از نظر مدل ، ساز ، رنگ و یا به کل شکل ظاهری ) را دریافت کنم

Vor der Reise Geld umtauschen

قبل از یا پیش از سفر پول خود را مبادله کردن

یعنی تومان میدهم و یک شکل دیگر از آن یعنی یورو را دریافت میکنیم ، در فارسی خیلی ها اصطلاح change کردن را بکار میبرند اما من دوست دارم همان مبادله کردن را بکار ببرم

نکته : umtauschen برای عوض کردن یا تعویض کردن لباس و پوشاک نیز مورد استفاده قرار میگیرد

پیشوند آخری که می خواهیم به آن بپردازم ein هست

eintauschen مبادله کردن چیزی که مقابل چیز دیگری که یک قرارداد یا یک عمل مرسوم است ، مثلاً در حال حاضر و دنیایی امروزی ما یک مرغ را با یک گوسفند مبادله نمیکنیم ولی یک چک را میرویم نقد میکنیم یعنی یک برگه اعتباری را میدهم و در مقابل آن پولی به اندازه همان اعتبار میگیریم.

پس هر مبادله بین دو چیزی که رایج است ، مثلا کوپن ( برگه اعتباری ) بدهیم و به جایی آن پول یا جنسی به اندازه ارزش و اعتبار آن کوپن دریافت کنیم.

etwas gegen etwas eintauschen

چیزی را در مقابل چیز دیگر مبادله کردن

مثلا در زمان جنگ جهانی دوم مردم سیگار را با نان مبادله میکردند اما امروزه یک کار خنده دار و مسخره است

Zigaretten gegen Brot eintauschen

سیگار را در مقابل نان مبادله کردن

سیگار بدهیم و نان دریافت کنیم -> دو جنس یا کالای که زمانی مبادله می شده است اما همانطور که گفتم امروزه خیر

معمولا eintauschen امروزه به همراه Gutscheine مورد استفاده قرار میگیرد ، یعنی ما کارت هدیه ( کوپن یا کارت اعتباری ) داریم و میرویم فروشگاه جنس میگیریم و آنرا به جایی پول میدهیم.

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس سوال ، مثال یا انقادی دارید ، آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.

موفق باشید.

---

آموزش رایگان زبان آلمانی : مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

---